

یادداشت

توریست‌های ورزشی مشت‌زن



حسین رامادن کارشناس ورزشی

● تیم ملی بوکس کشورمان در حالی با هشت مشت‌زن عازم تاشکند محل برگزاری رقابت‌های قهرمانی آسیا شد که این مسابقات جنبه کسب سهمیه جهانی آلمان را هم داشت؛ تیمی که چند ماهی‌ه باربارو فراندز خیمنز، سرمربی ۵۷ساله کوبایی را بالای سر خود داشت تا شاید تمرینات وی کمی کارساز شود. بوکسی‌ها با وجود نداشتن اردو و تورنمنت‌های آماده‌سازی برون‌مرزی و فرصت اندک برای مربی کوبایی، خودشان امیدوار بودند با همین تمرینات داخلی کاری کنند کارستان، ولی در عمل آن طور نشد. دراین‌بین خود باربارو بیش از هرکسی دیگری فهمید بوکس ما حالا‌حالا برای بوکس‌شدن کار دارد؛ حالا‌حالا‌هایی که نزدیک به ۳۰ سال از آن می‌گذرد. با نگاهی به تاریخچه حضور مربیان خارجی بوکس در کشور، درمی‌یابیم خیمنز که سهل است، بزرگ‌تر از او هم نتوانستند کاری برای بوکس ما بکنند؛ از دیبیتری روسی گرفته تا آسببال هم‌وطنش... . به‌هرحال شکست‌های پی‌درپی مشت‌زنان در رقابت‌های برون‌مرزی، رفیق بازی‌های موجود در فدراسیون، نبود اردو و تورنمنت‌های برون‌مرزی، عدم گرایش جوانان به این رشته و از همه بدتر، نداشتن یک شخصیت تیمی احترام‌برانگیز در میان رقبای خارجی (باوجود ضعیف‌بودن)، باعث شده بوکس ایران سال‌ها حکم کیسه بوکس دیگر کشورها را داشته باشد و در هر اعزام برون‌مرزی نهایتاً و در خوش‌بینانه‌ترین حالت انتظارمان برای مدال‌گرفتن در گرو اعزام حداکثری نفرات و خوردن به قرعه استراحت در بازی اول و افتادن به حریف آسان در بازی دوم و سپس شکست در مبارزه سوم و کسب مدال برنز است؛ اتفاقی که در همین رقابت‌های تاشکند افتاد. نگاهی به نتایج حاصل‌شده در ازبکستان و شکست زودهنگام نفراتی همچون ارمشی، محمدپور و سالار غلامی، کاپیتان تیم ملی که سالیان اسل است در اردوهای مختلف تیم ملی لنگر انداخته‌اند و با خود سلفی می‌گیرند نشان می‌دهد آنها فراموش کرده‌اند در اعزام‌های برون‌مرزی به دنبال چه هستند. در واقع اگر بخواهیم لوح تقدیر اعزام توریست‌های ورزشی را به یک تیم ورزشی بدیم، بدون تردید باید تیم ملی بوکس را در این زمینه صدرنشین دیگر رشته‌های ورزشی کشور دانست؛ چراکه این فدراسیون سال‌هاست توریست‌های ورزشی خود را در قالب تیم ملی راهی این کشور و آن کشور می‌کند و در نهایت هم چیزی عایدش نمی‌شود. بوکس ما بیمار نیست. بوکس ما سالیان سال است که مرده؛ فقط مشکل اینجاست که مرده آن هم برای خیلی‌ها نفع دارد. بوکس ایران در تمام این سال‌ها در حالی در پشتوانه‌سازی مربی و بوکسور ناتوان بود که از ضعف مدیریت هم رنج برده است. موضوعی که بارها و بارها منتقدان به آن اشاره کرده‌اند؛ اما همچنان احمد ناطق‌نوری از سال ۶۸ تاکنون در راس این فدراسیون است، ناطق‌نوری با اینکه از رجال سیاسی بوده، اما هیچ‌وقت نتوانسته از نفوذ سیاسی خود در این عرصه استفاده کند تا حداقل با آوردن اعتبارات کافی، مشکلات مالی این مجموعه را برطرف کند. موضوع اینجاست که مسئولان ورزش نگاه یکسانی به مدیریت فدراسیون‌ها ندارند.

نقل و انتقالات

توافق پرسپولیس با منشا خلیل‌زاده

● پرسپولیس مانند فصل گذشته زودتر از دیگر باشگاه‌ها وارد بازار نقل و انتقالات شد. قهرمان لیگ برتر دیروز با دو بازیکن مدنظرش مذاکره کرد و به توافق رسید. کادوین منشا مهاجم نیجرهای پیکان و شجاع خلیل‌زاده مدافع فصل گذشته سپاهان دیروز با پرسپولیس قرارداد داخلی امضا کردند. منشا در لیگ برتر ۱۵ گل برای پیکان به ثمر رساند و در موفقیت‌های این تیم نقشی اساسی ایفا کرد. همچنین شجاع خلیل‌زاده که فصل قبل در تیم فوتبال سپاهان توپ می‌زد و شایعات زیادی پیرامون حضورش در تیم فوتبال پرسپولیس مطرح بود، قرارداد داخلی خود را با باشگاه پرسپولیس به امضا رسانده است. قرارداد این بازیکن با باشگاه پرسپولیس دوساله است و قرار است پس از آغاز رسمی فصل نقل و انتقالات در هیئت فوتبال استان تهران به ثبت برسد.

بریده اخبار

● **اکرم محمدی قهرمان اسنوکر بانوان شد.**
● **هوشنگ نصیرزاده مدیرعامل گسترش فولاد شد.**
● **زلاتکو کرانچار سرمربی سپاهان برای ادامه حضورش در این تیم امروز با مدیران باشگاه مذاکره می‌کند.**

شرق، سجاد فیروزی؛ «این موضوع دیگر بر کسی پوشیده نیست که من علاقه خاصی به فوتبال ندارم؛ به‌ویژه اینکه فوتبال حرفه‌ای هم باشد. در این فوتبال پول بی‌خود و زیادی هزینه می‌شود، فجایعیش مدام تکرار می‌شود و فسادهایش هم پایان ندارد». این یکی از دهه‌ها جمله مارین لوپن، نامزد ریاست‌جمهوری فرانسه است که باید امروز برای نشستن روی صندلی ریاست در «الیزه» با امانوئل ماکرون، مقابله کند. مارین مثل پدرش دل خوشی از ورزش اول دنیا ندارد و همواره در یک دهه گذشته که خودش را به عنوان یک سیاست‌مدار معرفی کرده، با فوتبال و فوتبالی‌ها چالش داشته است. البته صحبت‌های او هرگز بی‌پاسخ هم نمانده است؛ همین چند روز پیش بود که زین‌الدین زیدان، سرمربی فرانسوی رئال‌مادرید عاجزانه از فرانسوی‌ها درخواست کرده بود به لوپن رای ندهند، همان‌طور که به پدرش رای ندادند! اینکه فوتبالیست‌ها به‌ویژه آنهایی که اصالتاً فرانسوی نیستند، دل خوشی از خانواده لوپن ندارند، تازگی ندارد؛ پدرو لوپن بعد از قهرمانی فرانسه در جام جهانی ۱۹۹۸ حاضر به خوشحالی‌کردن نشد و با بیان این جمله که «این فرانسه تیم ما نیست» ترجیح داد به جای دیدن بازی به شنّا برود! همان اظهارات جنجالی باعث شد بسیاری در فرانسه علیه او موضع بگیرند و از همان موقع رابطه فوتبالی‌ها با لوپن‌ها تیره و تار شد. مارین هم از آنجا که «نشان» از بدر دارد، بعد‌ها چنین اظهارات جنجالی‌ای را به زبان آورد: «خیلی از این بازیکنان تیم ملی خودشان را متعلق به ملت دیگری می‌دانند و قلبشان برای کشور دیگری می‌تپد».

عشق راگبی
ارنست مارین و کلا خانواده لوپین علاقه‌ای به ورزش فوتبال ندارند، تنها نشئت‌گرفته از موضوعات

یک مدال برنز سهم بوکس ایران از آسیا

تیم ملی بوکس ایران در حالی راهی رقابت‌های قهرمانی آسیایی ازبکستان شد که انتظار می‌رفت در این میدان هم ناکام باشد؛ تیمی که چند ماهی بیشتر نیست هدایت آن به «فراندز خیمنز»، سرمربی کوبایی، سپرده شده و مهم‌تر آنکه نفرات جوان و کم‌تجربه‌ای را هم در اختیار دارد که رفتن روی رینگ آسیا، نودسخت تجربه آنها بود. امید احمدی صفا در وزن ۴۹ کیلوگرم، سجاد محمدپور در وزن ۵۲ کیلوگرم، اسماعیل ارمشی در وزن ۶۴ کیلوگرم، سجاد کاظم‌زاده در وزن ۶۹ کیلوگرم، شاهین موسوی در وزن ۷۵ کیلوگرم، امین زیادی در وزن ۸۱ کیلوگرم، سالار غلامی در وزن ۹۱ کیلوگرم و ایمان رمضانپور در وزن مثبت ۹۱ کیلوگرم، هشت بوکسوری بودند که خیمنز آنها را روانه این میدان کرده؛ مدیانی بدیمن که با حذف همه نمایندگان کشورمان به‌جز کاظم‌زاده، نمره منفی دیگری را برای کارنامه بوکس ایران ثبت کرد. جمعه‌شب در ادامه مسابقات ازبکستان، کاظم‌زاده در دیدار مرحله نیمه‌نهایی مقابل شهرام غیاثوف، نایب‌قهرمان المپیک ریو، شکست خورد و به مدال برنز رسید.

تمایلات ورزشی لوپن و ماکرون شباهتی به هم ندارد

فوتبال علیه «ضد فوتبال»



نژادی نیست؛ چون مشکل ویژه‌ای که شخص مارین با فوتبال امروزی دارد، هزینه زیادی است که برای آن پرداخت می‌شود. البته مارین هم مثل بسیاری از «راست‌های افراطی» علاقه زیادی به راگبی دارد و از نوع آماتورش حسایی دفاع می‌کند. «این موضوع را قبلاً هم گفته‌ام؛ پرداختن به فوتبال و مسائل مربوط به آن کار من نیست. پس نمی‌خواهم از خودم داستان‌هایی سر هم کنم و بگویم فوتبال را دوست دارم. از این شعارها که مثلاً بخواهم در تبلیغات انتخاباتی‌ام از آن استفاده کنم. نظرم این است که این صنعت ساخته شده فقط برای پول‌سازی. به همین خاطر است که می‌بینیم مشکلات بازیکنان خارجی را خیلی سریع حل‌فصل می‌کنند تا بتوانند در این کشور بازی کنند. باید جلوی حجم عظیمی از پول را که صرف پرداخت دستمزد بازیکنان در باشگاه‌ها می‌شود، گرفت».

دورویی برای جمع‌کردن رای؟

لوپن اگرچه در مقایسه با چهار سال قبل کمی نسبت به فوتبال مواضعش نرم‌تر شده ولی هنوز هم برای خیلی‌ها رفتار تازه‌اش علامت سؤال است؛ او در شرایطی این روزها وعده داده که «یک مربی از لیگ فوتبال فرانسه را به عنوان وزیر کابینه‌اش در نظر دارد» یا اینکه «موفقیت و همبستگی فرانسوی‌ها در یورو ۲۰۱۶ را تریبیک می‌گوید» که تا همین دو سه سال پیش رفتار بسیار متناقضی داشته است. نمونه‌اش برگزاری مراسم جشن قهرمانی هواداران پاری‌سن‌ژرمن در سال ۲۰۱۳ بود که منجر به آشوب کوچکی در پاریس شد. در آن زمان نظر لوپن مشخص بود: «برای جلوگیری از چنین مواردی هرگز نباید کوچک‌ترین تورنمنت ورزشی در شهرهای بزرگ فرانسه برگزار شود». این در حالی بود که او در یورو ۲۰۱۶ و زمانی که هولیکان‌های روس در شهر مرسی آشوب به پا کردند، هرگز هیچ اظهارنظری نکرد.

هوادار مردمی‌ترین تیم فرانسه

در کارزار انتخاباتی فرانسه که امروز ایستگاه پایانی‌اش را تجربه می‌کند، دو نامزد نهایی از همه لحاظ با هم متفاوت هستند؛ فارغ از احزاب متضاد دو کاندیدا، هواداری‌شان از فوتبال هم با یکدیگر از زمین تا آسمان فرق می‌کند. اگر مارین لوپن از فوتبال منتفر است در عوض امانوئل ماکرون، ذوب در این رشته ورزشی است و حتی هوادار المپیک مarse، مردمی‌ترین تیم فرانسه است. یکی از تویت‌های آخر او هنوز هم ذهن خیلی‌ها را به خود مشغول کرده است: «چرا من طرفدار مarse هستم؟ چون این تیم من را رؤیاپرداز می‌کند! مarseی اشک من را بارها زآورده. آنها من را همچان‌زده می‌کنند». ماکرون نه‌تنها در تضاد با لوپن عشق به فوتبال دارد بلکه در تضاد با فرانسوا اولاند که به یکی از تیم‌های پایتخت «رد استار» علاقه‌اش را نشان داد، به سراغ مردمی‌ترین تیم فوتبال در این کشور رفته است. برای فوتبالی‌بودن او همین بس که تا اینجا بیش از ۶۰۰ بازیکن فوتبال حرفه‌ای در فرانسه و خارج از فرانسه از او حمایت کرده و خواسته‌اند که مردم به ماکرون رای بدهند. امانوئل البته برای اینکه نشان دهد فقط حرف فوتبال را نمی‌زند بلکه در عمل هم چیزی بلد است، در یکی از همین سفرهای انتخاباتی‌اش به «سرسل» خودش را به جوانانی که در محله مشغول بازی فوتبال بودند، رساند و یک پانلتی با آن بغل پای معروف‌ش زد. او البته در صحبت‌های سیاسی‌اش هم بارها از فوتبال و اصطلاحات فوتبالی یاد می‌کند تا نشان دهد چه اندازه این ورزش ملکه ذهنش شده است؛ همین چندی‌پیش بود که از ستاد «سرسل» خودش را به جوانانی که در محله مشغول بازی فوتبال بودند، رساند و یک پانلتی با آن بغل پای معروف‌ش زد. او البته در صحبت‌های سیاسی‌اش هم بارها از فوتبال و اصطلاحات فوتبالی یاد می‌کند تا نشان دهد چه اندازه این ورزش ملکه ذهنش شده است؛ همین چندی‌پیش بود که از ستاد «حیات سیاسی دقیقاً مثل فوتبال است؛ یعنی باید گروهی بازی کرد و گرنه نمی‌توان برنده شد».

سفر رئیس کمیته بین‌المللی پارالمپیک به اصفهان

ایرانی که در مسابقات دوچرخه‌سواری بازی‌های ریبو ۲۰۱۶ به علت حادثه جان خود را از دست داد، اعطا کرد. «سر فیلیپ کریون»، رئیس کمیته بین‌المللی پارالمپیک، چهارشنبه وارد ایران شد و در نخستین روز حضور خود در ایران، با مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش‌وجوانان، دیدار کرد. پس از این جلسه، رئیس IPC گفت: «باعث افتخار من است که به شیراز آمده و با ورزشکاران شما ملاقات کرده‌ام. خوشحال هستم در اینجا با دوستان جدیدی در ورزش پارالمپیک آشنا می‌شوم». رئیس کمیته بین‌المللی پارالمپیک به دیدار خود با سلطانی‌فر، وزیر ورزش‌وجوانان، اشاره کرد و «در دیدار با وزیر ورزش، گفتم‌ام نحوه توجه به ورزش‌های معلولان را در توسعه ورزش پارالمپیک بسیار تأثیرگذار است؛ من برای قدرانی از ورزشکاران شما در استان فارس آمده‌ام؛ اما اتفاق بسیار مهمی که در استان شما در حال رخ‌دادن است و می‌تواند مسیر را برای شما هموار کند، این است که شما افراد بسیار خوبی را در مجموعه خود دارید». فیلیپ کریون، در ابتدای سفر خود به شیراز با مدیران بالاترین نشان این نهاد را به خانواده بهمن گل‌بازنژاد، جانباز دیدار خواهد کرد.

تلاش پارس جنوبی و سپیدرود برای فرار از سرنوشت تیم‌های تازه‌وارد

دو تیمی‌اند. بوشهر و گیلان هم استان‌هایی با یک نماینده هستند. به اعتقاد کارشناسان اینکه تنها شش، هفت استان کشور در سطح اول لیگ کشور نماینده دارند، موضوع منفی‌ای نیست. در همه کشور‌های صاحب‌نام فوتبال هم چنین وضعیتی وجود دارد. فوتبال در برخی مناطق قوی‌تر است و طبیعتاً آنها نمایندگان بیشتری دارند. در ایران به طور سنتی استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی استان‌های صاحب فوتبال‌اند. گیلان، خراسان و فارس هم قدمت درخور توجهی در سطح اول فوتبال دارند. طبیعتاً قرار نیست در همه استان‌ها فوتبال ورزش اول باشد. فرضاً در ارومیه و استان گلستان و ولیال حرف اول را می‌زند و در مازندران همه نگاه‌ها به کشتی اختصاص دارد. در ۱۶ دوره لیگ برتر ۱۴ استان هرگز در لیگ نماینده نداشتند. از بین ۳۱ استان کشور استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، چهارمحال‌وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان‌وبلوچستان، کردستان، کهگیلویه‌وبویراحمد، گلستان و مرکزی تا‌به‌حال حضور در لیگ برتر را تجربه نکرده‌اند. در بیشتر این استان‌ها فوتبال قدمت و قدرت چندانی ندارد و بعید است که در سال‌های بعدی هم این تیم‌ها شاهد لیگ‌برتری‌شدن باشند. در بین تیم‌های این ۱۴ استان شاید بتوان به آلومینیوم اراک بیش از هر تیم دیگری برای تاریخ‌سازی حساب باز کرد.

چهار استان هم به صورت غیرطبیعی لیگ‌برتری شدند. انتقال پاس به همدان، صبا به قم، پیکان به قزوین و رفت‌وآمد سایپا به کرج (البز) این چهار استان را به جغرافیای لیگ برتر اضافه کرد. حضور چند استان هم در لیگ برتر بسیار جالب بوده و یک اتفاق تاریخی محسوب می‌شود. کرمانشاه با شیرین‌فراز، لرستان با گهر دورود، یزد با شهید قندی و هرمزگان با آلومینیوم یک فصل لیگ‌برتری شدند.

شاهین بوشهر و شמושک نوشهر هم کاری کردند که استان‌های بوشهر و مازندران بیش از یک فصل حضور در لیگ برتر را تجربه کنند؛ هرچند که این حضورها طولانی نشد.

تهران، آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، کرمان و گیلان تنها استان‌هایی هستند که می‌توان به آنها لقب بیشتری پروپاقرص لیگ برتر را داد. فارس و کرمان که چند دوره‌ای است غیبت دارند، گیلان هم پس از یک غیبت یک‌ساله بازگشت.

ورزش

ادامه از صفحه اول

کارانه؛ یا کارنه!

خدمات بازار کار قصد اتصال کارجویان به کارفرمایان را دارد و این هدف را از طرق گسترده‌ای شامل مشاوره شغلی، آشناسازی با بازار کار، مشارکت در کارایی و رجوع به دیگر تدابیر افزایش استخدام‌پذیری مانند آموزش، دنبال می‌کند که این خدمات از طریق واحد خدمات اشتغال عمومی (PEST۳) باید مرتباً با انواع دیگر سیاست‌های فعال بازار کار (آموزش، کارهای عمومی، بارانه‌های اشتغال و خوداشتغالی و ایجاد بنگاه خرد)، در ارتباط باشد. با این تعریف می‌توان ناکارآمدی، عجولانه و ساده‌انگارانه‌بودن این اقدام را در موارد زیر یافت:

۱- درحالی‌که حل مسئله بی‌کاری در گرو اتخاذ هم‌زمان سیاست‌های محرک تقاضای کار و ارتقای عرضه نیروی کار است، مبنکران این اقدام حلقه مفقوده حل بی‌کاری را در ارائه خدمات اشتغال می‌دانند؛ اما هر اقتصادخوانده‌ای می‌داند در فضایی که هنوز ظرفیت‌های طرف تقاضا محدود است و مهارت‌ها و دانش عرضه‌کنندگان این بازار نیز تناسب اندکی با تقاضای موجود دارد، ارائه صرف خدمات اشتغال-گرچه این اقدام شباهت اندکی با یک سیاست خدمات اشتغال با نمونه‌های موفق جهانی دارد- گروگشا نبوده و بیشتر شبیه اقدامی عجولانه و با زرق‌وبرقی پوپولیستی است. مبنکران چنین برداشت کرده‌اند که سمت عرضه و تقاضا، ظرفیت‌های لازم را دارند و تنها دست نامرئی آنها نیاز است تا عرضه و تقاضا یکدیگر را در سامانه کار ملاقات کنند.۲- گرچه هنوز بسیاری از سازوکارهای این سامانه ناشناخته است، شنیده‌ها حاکی از آن است که وعده داده شده تا زمان یافتن شغل، به ثبت‌نام‌کنندگان این سامانه مبلغی پرداخت خواهد شد. پرداخت کمک‌هزینه در برخی برنامه‌های سیاست‌های فعال بازار کار، مرسوم است؛ اما این پرداخت‌ها که با عنوان پرداخت‌های انتقالی مشروط شناخته می‌شوند، در راستای ایجاد مشوق‌ها با حاف موانع دسترسی افراد آسیب‌پذیر و فقیرترین اقشار جامعه به خدمات آموزشی، بهداشتی و ارتقای استخدام‌پذیری آنهاست. درحالی‌که پرداخت‌هایی که در این سامانه وعده داده می‌شود، هیچ تناسبی با اهداف و سازوکارهای سیاست‌های بازار کار ندارد و شباهت بیشتری را یک وعده پوپولیستی دارد. ۳- بر اساس کنواسیون خدمات اشتغال سال ۱۹۴۸ (شماره ۸۸)، واحد خدمات اشتغال عمومی یک واحد دولتی است که عمدتاً جزئی از وزارت کار بوده که متمرکز بر برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع ارتقای اشتغال و حفاظت از کارگران شاغل است (سازمان جهانی کار، ۲۰۰۹). بر همین اساس، فراهم‌سازی اطلاعات بازار کار، خدمات شغل‌یابی، خدمات مشاوره‌ای در دوره بی‌کاری، مدیریت برنامه‌های بازار کار و اداره مزایای بی‌کاری از وظایف این واحد است؛ بنابراین خدمات اشتغال عمومی به عنوان یک نهاد عمومی که سیاست‌های فعال و منفعل را اداره می‌کند، در نظر گرفته می‌شود. ازاین‌رو، واحد خدمات اشتغال اساساً باید در سازمانی دولتی که متولی اشتغال است، ایجاد و مدیریت شود؛ اما چگونه است که افراد یا گروهی که نماینده بخش دولتی نیستند، اقدام به ایجاد چنین سازوکارهایی می‌کنند؟ عوابع حقوقی در اختیارداشتن پایگاه داده‌ای از اطلاعات شهروندان چه خواهد بود؟ اگر این سامانه نمی‌تواند وظایف پنج‌گانه را که مهم‌ترین ام مدیریت و نظارت بر همه سیاست‌های فعال و منفعل است، محقق کند، آیا مؤید ادعای ساده‌انکارانه، عجولانه و پوپولیستی این سیاست نیست؟!

Active Labor Market Policy -۱

Labor Services -۲

Public Employment Service -۳

برنامه

لیگ قهرمانان آسیا

- دوشنبه ۱۸ اردیبهشت**

پرسپولیس-ال‌وحده امارات، ساعت ۱۹:۵۵
الاھلی عربستان -ذوب‌آهن، ساعت ۲۰:۱۰
● **شنبه ۱۹ اردیبهشت**
استقلال خوزستان-ال‌جزیره امارات، ساعت ۲۰:۰۰
التعاون عربستان-استقلال، ساعت ۲۰:۲۰

جدول

تیم	بازی	برد	تفاضل	امتیاز
پرسپولیس	۳۵	۴۵	۳۲	۶۶
استقلال	۳۵	۱۶	۱۸	۵۷
تراکتورسازی	۳۵	۱۵	۱۴	۵۶
ذوب‌آهن	۱۲	۹	۶	۴۶
سپاهان	۳۵	۱۲	۴	۴۵
پیکان	۳۵	۱۲	۱	۴۴
استقلال خوزستان	۳۵	۱۵	۲	۴۱
گسترش فولاد	۳۵	۷	۲	۳۸
نفت تهران	۳۵	۸	۳-	۳۶
فولاد	۳۵	۷	۲-	۳۵
پدیده	۳۵	۸	۸-	۳۴
صنعت نفت آبادان	۳۵	۸	۱۵-	۳۳
سلیا	۳۵	۷	۱۵-	۳۲
سیاه‌جامگان	۳۵	۶	۱۱-	۳۵
صبا قم	۳۵	۶	۱۱-	۲۸
ماشین‌سازی تبریز	۳۵	۳	۲۷-	۱۶